بدون عنوان

شماره پرسش: ۴۰۸۰۵

تاریخ ارسال پرسش: ۰۸:۰۲:۰۵ ۱۴۰۴/۸/۲۳

متن پرسش

بنده شغلم و کل زندگیم رو گذاشتم برای اینکه از نیهلیسم فارغ بشم، سعی کردم حضور تاریخی داشته باشم، سعی کردم کرب‌وبلا رو تا جای ممکن بفهمم و برای خودم معناش کنم، با اینکه دیدیم دراین جنگ مقدس ۱۲ روزه سپاه و به خصوص هوافضا چه نقش مهمی رو ایفا کرد و چه هویت آفرین بود ولی برای من هر روز مفاهیم درست که با آنها زندگی می‌کردم بی‌رنگ میشن و دیگه برام معنا ندارن، مثل خدمت کردن، عاشق شدن انقلاب، مبارزه با استکبار و استعمار، مردم، توحید، خدا، دین اسلام و حتی ایمان، چرا اینطور شده‌ام؟ گویا نیهلیسم دارد به ترتیب سلولهای بدنم رو فتح می‌کند و من با نیهلیسم دارم حل میشم و به مرگم نزدیک میشم. لطفا تا جای ممکن استاد عزیز کمکم کنید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در این زمانه این حالات را می‌توانیم طبیعی بدانیم که برای حضور در جهانی به گشودگیِ انسانیت انسان‌ها درک جایگاهی که خداوند تقدیر ما کرده و باید آن را پاس بداریم، آسان نیست و از این جهت باید با نظر به چشم‌اندازی که با انقلاب اسلامی پیش آمده، آرام‌آرام آن حضور را که حضور ذیل ارادۀ الهی می‌باشد؛ درک کرد. حضوری که بدون مقابله با یهودی‌گریِ پیش‌آمده در این زمان به میان نمی‌آید. ان شاءالله امشب در مسجد انبیاء عرایضی در این رابطه خواهد شد. موفق باشید